



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدمات؛ حجّت؛ کتاب خداوند؛ حجّت، اعجاز و جایگاه قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: صادق

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۲۲

گفته می‌شود که انواعی از قرآن وجود دارد؛ هفت یا ده نوع که به صورت متواتر هم نقل شده‌اند، مانند نافع، ابن کثیر، عاصم و غیره. با بررسی‌های اندکی که داشتیم، تفاوت‌های قابل توجه و غیر قابل اغماضی هم دارند. خواستم بدانم که آیا اساساً وجود چنین تفاوت‌هایی آن هم به صورت متواتر، ثابت است؟ اگر بله، کدام نسخه صحیح است؟ دیگر آنکه در برابر اشخاصی که چنین تفاوت‌هایی را دلیلی بر نادرستی آیه‌ی نهم سوره‌ی مبارکه‌ی حجر که فرموده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» و در نتیجه عدم اعتبار قرآن در برابر کتب سایر ادیان و عدم حَقَانِیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند، با چه دلیل و برهانی می‌توان سخن گفت؟

پیشاپیش از پاسخ حضرات سپاسگزارم.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۲۸

تعبیر به اینکه «انواعی از قرآن وجود دارد»، تعبیر درستی نیست؛ زیرا تنها یک قرآن وجود دارد که از ۱۱۴ سوره، ۶۲۳۶ آیه و ۷۷۷۰۱ کلمه تشکیل شده و به صورت متواتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است. تنها اختلاف موجود، اختلاف در نحوه‌ی قرائت شماری از کلمات آن است که به قاریان آن باز می‌گردد، نه به آن؛ زیرا واضح است که غلط خواندن قرآن، ربطی به قرآن ندارد و اگر قاری حرف یا حرکتی از آن را درست نخواند، گفته نمی‌شود که قرآن دگرگون شد و خداوند آن را حفظ نکرد؛ چنانکه در روایتی از اهل بیت آمده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ»^۱؛ «قرآن یکی است و از نزد یکی نازل شده است و اختلاف تنها از جانب راویان می‌آید».

۱. الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۶۳۰

توضیح آنکه متن قرآن یکی است و تنها تفاوت لهجه و اجتهاد قاریان بوده که سبب خواندن شماری از کلمات آن به صورت متفاوت شده است؛ با توجه به اینکه خط عربی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقطه و حرکت نداشته و علاوه بر این، حرف الف در آن گاه به صورت مقصور (ـ) نوشته می شده و این سه ویژگی، سبب شده است که شماری از کلمات قرآن به دو یا چند صورت قابل خواندن باشد. به عنوان مثال، کلمه‌ی «نَغْفِرُ» در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی بقره که می فرماید: «وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ»؛ «و بگویند گناهانمان را فرو ریز تا خطاهایتان را ببخشیم»، به سبب نبودن نقطه در رسم الخط قرآن، به دو صورت «يَغْفِرُ» و «نَغْفِرُ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «و بگویند گناهانمان را فرو ریز تا خطاهایتان ببخشیده شود»، یا کلمه‌ی «كَبِيرٌ» در آیه‌ی ۲۱۹ سوره‌ی بقره که می فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ»؛ «و از تو درباره‌ی شراب و قمار می پرسند، بگو در آن دو گناه بزرگی است»، به سبب نبودن نقطه در رسم الخط قرآن، به صورت «كَبِيرٌ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «و از تو درباره‌ی شراب و قمار می پرسند، بگو در آن دو گناه بسیاری است»، یا کلمه‌ی «نُشْرِهَا» در آیه‌ی ۲۵۹ سوره‌ی بقره که می فرماید: «وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِرُهَا»؛ «و به استخوان ها بنگر که چگونه آن ها را بلند می کنیم»، به سبب نبودن نقطه در رسم الخط قرآن، به صورت «نُشْرِهَا» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «و به استخوان ها بنگر که چگونه آن ها را بر می انگیزیم»، یا کلمه‌ی «اتَّخِذُوا» در آیه‌ی ۱۲۵ سوره‌ی بقره که می فرماید: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»؛ «و از مقام ابراهیم نمازگاهی بگیرید»، به سبب نبودن حرکت در رسم الخط قرآن، به صورت «اتَّخِذُوا» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «و از مقام ابراهیم نمازگاهی گرفتند»، یا کلمه‌ی «تَعْلَمُونَ» در آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی آل عمران که می فرماید: «وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ»؛ «بلکه خداگرایان باشید، چنانکه کتاب را یاد می دادید و چنانکه درس می خواندید»، به سبب نبودن حرکت در رسم الخط قرآن، به صورت «تَعْلَمُونَ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «بلکه خداگرایان باشید، چنانکه کتاب را یاد می گرفتید و چنانکه درس می خواندید»، یا کلمه‌ی «كَفَّلَهَا» در آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی آل عمران که می فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا»؛ «پس پروردگارش او را به نیکی پذیرفت و به نیکی پرورش داد و زکریا را کفیل او ساخت»، به سبب نبودن حرکت در رسم الخط قرآن، به صورت «كَفَّلَهَا» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «پس پروردگارش او را به نیکی پذیرفت و به نیکی پرورش داد و زکریا او را کفالت کرد»، یا کلمه‌ی «مَالِكٌ» در آیه‌ی ۴ سوره‌ی فاتحه که می فرماید: «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ»؛ «دارای روز جزا»، به سبب ظاهر نبودن حرف الف در رسم الخط قرآن، به صورت «مَلِكٌ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «پادشاه روز جزا»، یا کلمه‌ی «فَنَادَتْهُ»

در آیهی ۳۹ سورهی آل عمران که می‌فرماید: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ»؛ «پس فرشتگان او را ندا دادند (با فعل مؤنث)»، به سبب احتمال وجود حرف الف مقصور در رسم الخط قرآن، به صورت «فَنَادَاهُ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «پس فرشتگان او را ندا دادند (با فعل مذکر)»، یا کلمه‌ی «جَعَلَ» در آیهی ۹۶ سورهی أنعام که می‌فرماید: «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا»؛ «شکافنده‌ی صبح و کسی که شب را مایه‌ی آرامش قرار داد»، به سبب احتمال وجود حرف الف مقصور در رسم الخط قرآن، به صورت «جَاعِلٌ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «شکافنده‌ی صبح و مایه‌ی آرامش قرار دهنده‌ی شب»، یا کلماتی دیگر از این دست که به ندرت تفاوت معنایی مهمی ایجاد می‌کنند. شاید مهم‌ترین آن‌ها کلمه‌ی «يَطْهَرْنَ» در آیهی ۲۲۲ سورهی بقره باشد که می‌فرماید: «فَاعْتَرِضُوا السَّاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ»؛ «پس در زمان حیض از زنان کناره بگیرید تا آن گاه که پاک شوند» و به سبب نبودن حرکت در رسم الخط قرآن، به صورت «يَطْهَرْنَ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «پس در زمان حیض از زنان کناره بگیرید تا آن گاه که غسل کنند»؛ با توجه به اینکه در حالت نخست، بر جواز نزدیکی با زنان پس از پایان حیض و پیش از غسل دلالت دارد و در حالت دوم، بر جواز نزدیکی با زنان پس از پایان حیض و پس از غسل دلالت دارد، یا کلمه‌ی «أَزْجُلُكُمْ» در آیهی ۶ سورهی مائدة که می‌فرماید: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَزْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»؛ «و بر سرها و پاهاتان را تا دو برآمدگی مسح کنید» و به سبب نبودن حرکت در رسم الخط قرآن، به صورت «أَزْجُلُكُمْ» نیز خوانده شده که بر اساس آن، معنای آیه این است: «و بر سرها و پاهاتان تا دو برآمدگی مسح کنید»؛ با توجه به اینکه برخی آن را در حالت نخست، دلیل بر وجوب شستن پاها تا دو برآمدگی می‌دانند، هر چند بنا بر تبیین علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، فرقی میان دو حالت نیست، جز اینکه در حالت نخست، مسح همه‌ی پاها تا دو برآمدگی واجب است و در حالت دوم، مسح بر بخشی از پاها تا دو برآمدگی کفایت می‌کند^۱.

آری، واقع آن است که چند اختلاف جزئی در رسم الخط قرآن نیز وجود دارد که به کاتبان نخستین باز می‌گردد؛ چراکه در زمان آنان، دستگاه کپی و چاپ وجود نداشت و آنان مجبور بودند که با دست از روی قرآن بنویسند و این سبب شد که چند اختلاف جزئی در رسم الخط قرآن پدید آید، ولی این چند اختلاف جزئی کاملاً مشخص هستند و هیچ معنایی را تغییر نمی‌دهند و از این رو، به اعتبار قرآن آسیبی نمی‌رسانند. در زیر، این چند اختلاف جزئی را ذکر می‌کنیم:

۱. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «وَأَوْصَى بِهَا إِبْرَاهِيمُ» با الف و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ»^۲ بدون الف.

۱. بنگرید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، ص ۲۷۰.

۲. البقرة / ۱۳۲



۲. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» بدون واو و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ»^۱ با واو.
۳. در مصحف اهل مکه آمده است: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» به صورت مفرد و در سایر مصحفها آمده است: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ»^۲ به صورت جمع.
۴. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا» بدون واو و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا»^۳ با واو.
۵. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «مَنْ يَزِدِدْ» با دو دال و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «مَنْ يَزِدَّدْ»^۴ با یک دال.
۶. در مصحف اهل مدینه و اهل بصره آمده است: «لَنْ أَنْجِيَنَّ» با صیغهی مخاطب و در مصحف اهل کوفه آمده است: «لَنْ أَنْجَانَا»^۵ با صیغهی غایب.
۷. در مصحف اهل مکه آمده است: «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» با «مِنْ» و در سایر مصحفها آمده است: «جَنَاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ»^۶ بدون «مِنْ».
۸. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا» بدون واو و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا»^۷ با واو.
۹. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «خَيْرًا مِنْهُمَا مُنْقَلَبًا» با ضمیر مثنی و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا»^۸ با ضمیر مفرد.
۱۰. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «فَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» با فاء و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ»^۹ با واو.
۱۱. در مصحف اهل مدینه و اهل بصره آمده است: «وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ»^{۱۰} با هاء و در مصحف اهل کوفه آمده است: «وَمَا عَمِلَتْ أَيْدِيَهُمْ» بدون هاء.

۱. آل عمران / ۱۳۳
۲. النساء / ۱۷۱
۳. المائدة / ۵۳
۴. المائدة / ۵۴
۵. الأنعام / ۶۳
۶. التوبة / ۱۰۰
۷. التوبة / ۱۰۷
۸. الکهف / ۳۶
۹. الشعراء / ۲۱۷
۱۰. یس / ۳۵

۱۲. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «وَأَنْ يُظْهَرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادُ» بدون الف و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «أَوْ أَنْ يُظْهَرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادُ»^۱ با الف.

۱۳. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» بدون فاء و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»^۲ با فاء.

۱۴. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ»^۳ با هاء و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ» بدون هاء.

۱۵. در مصحف اهل مدینه و اهل بصره آمده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» بدون دو الف و در مصحف اهل کوفه آمده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا»^۴ با دو الف.

۱۶. در مصحف اهل مدینه و اهل بصره آمده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً»^۵ با یاء و در مصحف اهل مکه آمده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً» بدون یاء.

۱۷. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «فَإِنَّ اللَّهَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ» بدون (هُوَ) و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ»^۶ با (هُوَ).

۱۸. در مصحف اهل مدینه و اهل شام آمده است: «فَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» با فاء و در مصحف اهل کوفه و اهل بصره آمده است: «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا»^۷ با واو.

این هجده حرف، همه‌ی اختلافی است که در رسم الخط قرآن وجود دارد. به جز این اختلاف ناچیز که هیچ تغییر قابل توجهی در معنای آیات ایجاد نمی‌کند، اختلافی در صورت قرآن وجود ندارد و از این رو، می‌توان متن قرآن را واحد و متواتر دانست، هر چند قرائت‌های مختلفی از برخی کلمات آن پدید آمده که ناشی از اختلاف لهجه و اجتهاد قاریان قرآن در سایه‌ی شکل خط عربی بوده و ارتباطی با متن واحد و متواتر قرآن نداشته است.

وانگهی برخی با استناد به شماری از روایات اصرار داشته‌اند که همه‌ی قرائت‌های مشهور میان مسلمانان به خداوند و پیامبرش باز می‌گردد؛ به این معنا که خداوند برخی کلمات قرآن را به صورت مختلف نازل کرده و پیامبرش آن‌ها را به صورت مختلف تعلیم داده و روشن است که

۱. غافر / ۲۶
۲. الشوری / ۳۰
۳. الزخرف / ۷۱
۴. الأحقاف / ۱۵
۵. محمد / ۱۸
۶. الحديد / ۲۴
۷. الشمس / ۱۵

اگر این ادعا ثابت باشد، همه‌ی قرائت‌های مشهور میان مسلمانان، صحیح محسوب می‌شود و جایی برای شبهه باقی نمی‌ماند، ولی حق آن است که این ادعا ثابت نیست و اصل و ظاهر آن است که تنها یکی از قرائت‌های مشهور میان مسلمانان صحیح است و آن قرائت خلیفه‌ی خداوند در زمین است که بنا بر نصوص متواتر پیامبر، عالم‌ترین شخص به قرآن است و هرگز از آن جدا نمی‌شود. از این رو، بر مسلمانان واجب است که برای آگاهی از کلمات حقیقی قرآن در موارد اختلاف، به خلیفه‌ی خداوند در زمین رجوع کنند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛ «و کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه دربارہ‌ی آن اختلاف کردند را برایشان تبیین کنی و هدایت و رحمتی برای گروهی باشد که ایمان می‌آورند»، هر چند تا زمان دسترسی به خلیفه‌ی خداوند، هر یک از قرائت‌های مشهور میان مسلمانان، برای مؤمنان مجزی است؛ به این معنا که می‌تواند دلیل عقاید و اعمال آنان باشد؛ خصوصاً با توجه به اینکه تضادی میانشان وجود ندارد و معنای همه‌ی شان صحیح است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
جنتی با بحکومت و سبک‌دل

